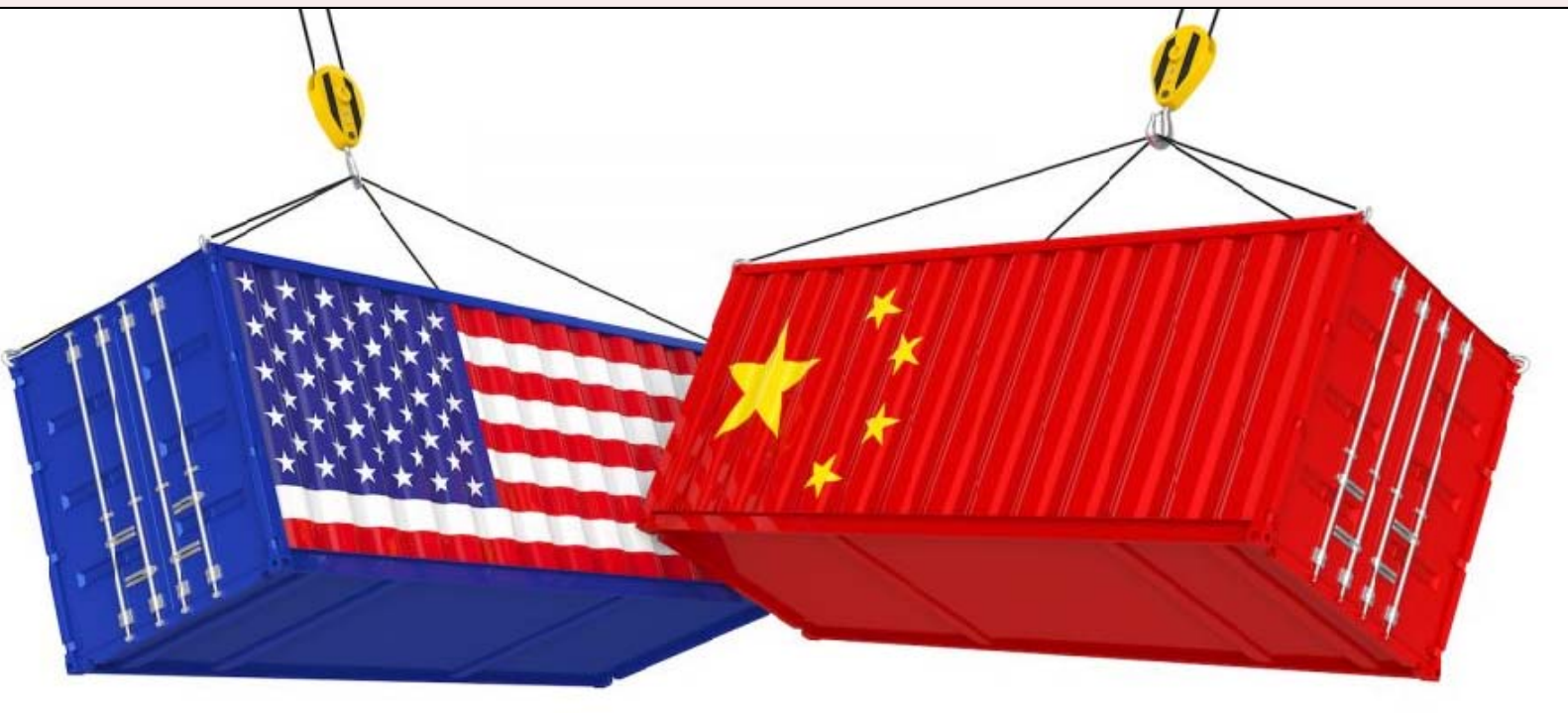




اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
معاونت بررسی‌های اقتصادی

حرکت تجاری هوشمندانه چین



دولت چین بار دیگر نشان داد که حاکمیت عقلانی بر سیاست‌های اقتصادی این کشور حاکم است. اعتراض امریکا در رابطه با مازاد تجاری چین و پیش‌گرفتن سیاست‌های حمایتی تجاری در قالب افزایش تعرفه‌ها، با پاسخ جالبی از سوی دولت چین مواجه شد که بنظر می‌رسد نکات آموزنده‌ای برای سایر اقتصادهای جهان در رابطه با نحوه برقراری تعامل درست و منطقی با مخالفان و تبدیل تهدید به فرصت دارد.



رویکردهای اخیر چین در نحوه برخورد با فشارهای تجاری امریکا به خوبی از حاکمیت عقلانیت و تدبیر در دولت این کشور حکایت دارد. این کشور به جای اتخاذ روش‌های مقابله به مثل با امریکا که زمینه ساز شکل گیری کساد برای اقتصاد چین خواهد بود، سیاست‌های مبتنی بر رشد واردات و شتاب دهی به اصلاح ساختار داخلی را انتخاب کرده که از رشد بلند مدت با کیفیت این اقتصاد بزرگ جهان پشتیبانی می‌کند.

دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا اعلام کرد که قصد دارد تا چین را با تعرفه‌های تجاری هدف قرار دهد. اتخاذ این رویکرد علامتی بر محسوب نمودن کشور چین به عنوان یک حریف اقتصادی تا یک شریک تجاری است. سیاست‌های تجاری جدید ترامپ نشان دهنده نقطه عطف یک دهه ناامیدی تجاری امریکاست.

منشا ناامیدی امریکا به خوبی شناخته شده است. از سال ۲۰۰۱ که چین به سازمان تجارت جهانی پیوست این کشور در معرض الزامات مربوط به دسترسی به بازار قرار داشته است. بعلاوه این باور وجود دارد که مدت‌های طولانی دولت در اقتصاد این کشور به‌ویژه در سیاست‌های صنعتی دخالت داشته که همین امر کسب و کار و سرمایه گذاری امریکا را در بازار داخلی چین محدود کرده و به موازات بنگاه‌های چینی را در کسب سریع پیشرفت‌های تکنولوژیکی توانمند ساخته است.

با این حال، اساساً ایالات متحده نگران این است که توسعه اقتصادی سریع چین، چالش واقعی را برای نفوذ جهانی امریکا به همراه می‌آورد. در نتیجه چین می‌باید محدود شود. از منظر ترامپ بخشی از راه حل این مسئله، حمایت از تجارت است.

در دهه ۱۹۸۰ حمایت‌گرایی امریکا موفقیت آمیز بود و رشد اقتصاد ژاپن را محدود کرد. اکنون اقتصاد چین بالاترین مزاد تجاری را با امریکا داراست. علت موفقیت سیاست امریکا در آن زمان به انتخاب‌های سیاستی مشکل دار ژاپن بر می‌گردد که واکنش‌های کند پولی و مالی در اقتصاد این کشور بود. در جهت کاهش مزاد تجاری با امریکا، کشور ژاپن محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه‌ای را اجرا کرد که باعث پراکنده شدن اقتصاد این کشور شد. همچنین حمایت‌های اضافی را برای بخش‌های غیرمبادله‌ای در نظر گرفت که در نهایت منجر به رکود بلند مدت طی یک دهه در این کشور شد.

باید توجه داشت که ساختار تجارت جهان از دهه ۱۹۸۰ به بعد تغییرات زیادی کرده که بخشی از آن مدیون ظهور زنجیره‌های تامین منطقه‌ای و جهانی است و بنظر می‌رسد دوران استفاده از مفاهیمی مانند عدم تعادل تجارت دوجانبه که ترامپ بر آن تاکید می‌کند، منقضی شده است. موضوع مهم‌تر این است که ارزش افزوده اقتصاد چین از صادرات این کشور و نه از مزاد تجاری آن تامین می‌شود.



معاونت بررسی های اقتصادی

در واقع طی دهه گذشته، مازاد حساب جاری چین با نرخ بی سابقه افت کرد و از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۷ به ۱.۴ درصد در سال ۲۰۱۷ رسید. در عین حال تغییر کمی هم در عدم توازن تجاری امریکا اتفاق افتاد که نشان می‌دهد مقصر کسری قابل توجه امریکا، چین نیست. به عبارتی سرزنش اصلی مستقیماً متوجه وقایع مربوط به اقتصاد کلان امریکاست که از نرخ پایین پس انداز داخلی و نرخ بالای قرض گرفتن دولت فدرال نشأت می‌گیرد و حتی اقدام اخیر امریکا در زمینه کاهش مالیات، می‌تواند این مسئله را تشدید کند.

اقتصاد چین دریافته که وسواس دولت ترامپ برای کاهش مازاد تجاری دوطرفه، بی‌جهت است. اما از طرف دیگر می‌داند که جنگ تجاری برای هیچکس خوب نیست. برای تسهیل اختلاف تجاری، بر خلاف ژاپن که به‌طور اختیاری صادرات را محدود کرد، رهبران چین قول داده‌اند که واردات را افزایش و بازار داخلی را باز کنند و بر اساس پیش بینی رئیس‌جمهور چین شی جین پینگ، طی پنج سال آینده ارزش کالاهای وارداتی این کشور به ۸ تریلیون دلار خواهد رسید.

این یک حرکت هوشمندانه است که نه فقط به فروکش کردن اعتراضات امریکا کمک خواهد کرد بلکه اعتراضات کشورهای اروپایی و نهادهای مالی بین‌المللی در رابطه با محدودیت دسترسی به بازار داخلی چین را نیز کاهش خواهد داد.

در بیانیه مشترک امریکا و چین در رابطه با مشورت تجاری آمده که افزایش خرید کالا و خدمات خارجی به‌ویژه خرید بیشتر اقلام امریکایی توسط کشور چین، به رشد مصرف مردم این کشور و تامین نیازهای آنها و همچنین مهم‌تر توسعه اقتصادی با کیفیت بالای این کشور، کمک خواهد نمود.

کشور چین در سال ۲۰۱۷ حدود ۲ تریلیون کالا وارد کرده که سهم کالاهای مصرفی آن فقط ۸.۸ درصد است. افزایش سهم کالاهای مصرفی تا حد زیادی بر بهبود سطح رفاه شهروندان چینی کمک می‌کند زیرا موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای فعلی موجب شده تا چینی‌ها برای تامین برخی از کالاهای خود به سایر کشورها مسافرت کنند. و به نوعی خرید بین‌المللی توسط چینی‌ها- حتی بدون در نظر گرفتن رشد سریع خریدهای آنلاین- معادل ارزش کلیه کالاهای مصرفی وارداتی است.

هدایت این خریدها به درون اقتصاد چین به مردم این کشور در زمینه مصرف بیشتر-به‌خصوص توسط طبقه با درآمد متوسط که محرک رشد اقتصاد چین است- و همچنین افزایش توان قدرت خرید آنها کمک می‌کند. این تاثیر در صورتی که امریکا و کشورهای اروپایی به درخواست چین برای صادرات آزاد محصولات با سطح تکنولوژی بالا پاسخ مثبت دهند، بزرگتر هم خواهد شد.



معاونت بررسی های اقتصادی

به طور مشابه، باز کردن بیشتر بازار برای توسعه سرمایه گذاری موضوع مهمی برای اقتصاد چین که در صدد استمرار پیشرفت تکنولوژیکی است، محسوب می شود. حتی اگر اقتصاد چین هم اندازه اقتصاد امریکا باشد، باز می تواند مزیت رقابتی خود را در بخش صنعت ساخت حفظ کند زیرا سرانه تولید ناخالص داخلی چین فقط یک چهارم امریکاست.

صرف نظر از پیشرفت های اخیر، هنوز چین موقعیت پایینی در زنجیره ارزش جهانی دارد. پیشرفت تکنولوژیکی این کشور تا حد زیادی به آزاد سازی بیشتر برای ورود سرمایه گذاری مستقیم نیاز دارد تا از این طریق پیشرفت در حوزه تحقیق و توسعه و همچنین کاربرد تکنولوژی های پیشرفته را پشتیبانی کند.

اگر اقتصاد چین به بروز رسانی اقتصاد خودش ادامه دهد این پیشرفت باید ادامه یابد و از طریق اقداماتی برای توسعه کارآفرینی و حفاظت از حقوق مالکیت معنوی، پشتیبانی و حمایت شود و خوشبختانه دولت چین بر این موضوع واقف است. مسئولان چینی امیدوار هستند که طی پنج سال آینده ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی را جذب و ۷۵۰ میلیارد دلار هم در سایر کشورها، سرمایه گذاری کنند.

با تصمیمات اخیر، اظهارات قبلی مقامات چینی، عملیاتی می شود. برای رشد واردات کالاهای مصرفی، کشور چین اولین نمایشگاه صادراتی را در نوامبر سال ۲۰۱۸ در شانگهای برگزار خواهد کرد. برای تحریک سرمایه گذاری مالی هم، چین سقف سهم مالکیت خارجی را طی سه سال به ۵۱ درصد افزایش خواهد داد. تا سال ۲۰۲۲ هم محدودیت مالکیت خارجی بر خودروسازان محلی را برداشته و بنگاههایی مانند تسلا خواهند توانست بطور کامل یک نمایندگی را در چین دارا شوند.

برای اطمینان بابتی از تحقق اهداف مورد نظر، می باید اقدامات بیشتری انجام شود و چین نیاز دارد تا موانع نهادی در بخش صنعت ساخت و اصلاحات مالی را رفع نماید. اما کشور چین قبلاً هم نشان داده که می تواند فشارهای تجاری امریکا را با روشی عقلانی تر از آنچه کشور ژاپن در دهه ۱۹۸۰ در پیش گرفت، رفع نماید. در واقع پاسخ چین - افزایش واردات و شتاب دهی به اصلاحات داخلی - از رشد بلند مدت و با کیفیت بالا اقتصاد این کشور پشتیبانی خواهد نمود.

ژنگ جان - مدیر مرکز مطالعات اقتصادی شانگهای چین

۲۸ مه ۲۰۱۸